



دانشگاه گوارز و منابع طبیعی گران

نشریه کارآفرینی در کشاورزی
جلد اول، شماره اول، بهار ۱۳۹۳
<http://jead.gau.ac.ir>

کشاورزی پایدار کارآفرینانه: در جستجوی رهیافتی مقتضی برای تسهیل توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه کشاورزی

* محمد شریف شریفزاده

استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۲۵

چکیده

با عنایت به چالش‌ها و پتانسیل‌های مرتبط با رقابت‌پذیری، سودآوری، بهره‌وری و پایداری در بخش کشاورزی، کارآفرینی، نیرویی حیاتی برای پیشبرد توسعه پایدار کشاورزی در کشورهای در حال توسعه به‌شمار می‌رود. کشاورزی پایدار بسان واژه‌ای چتری توصیف شده است که رهیافت‌های متعددی را برای تحقق کشاورزی آلی، کشاورزی بیولوژیک، کشاورزی بوم‌شناختی، کشاورزی کم‌نهاد، کشاورزی زیست‌پویا، کشاورزی باززاینده، کشت‌گری پایا و بوم‌زیست کشاورزی در بردارد. فراسوی مفاهیم و تفاسیر به‌عمل آمده از پایداری در مقام یک پارادایم، ایدئولوژی، فلسفه، روش‌شناسی و غیره، به یک راهبرد مقتضی، هدفمند و کارکردی برای تلفیق پایداری در فرآیند توسعه کشاورزی، به‌صورت کاربردی و اقتضایی، کلیت‌گرایانه، ماندگار و انعطاف‌پذیر نیاز است در این بین، تسهیل و ترویج کارآفرینی و توسعه کسب و کارهای کارآفرین در بخش کشاورزی یک راهبرد توسعه‌ای در بخش کشاورزی به‌شمار می‌رود. ارتقاء و بهره‌برداری از ظرفیت‌های کارآفرینی در بخش کشاورزی نیازمند محیطی توان‌ساز و یک رهیافت نهادی مقتضی برای تسهیل توسعه کسب و کارهای کشاورزی است. به‌طور منطقی، مفهوم‌سازی جامع و واقع‌گرایانه توسعه کارآفرینی کشاورزی، شامل مؤلفه‌های ساختاری و کارکردی، فرآیند، عوامل پیشبرنده و بازدارنده، دست‌اندرکاران و پیوندهای بین آن‌ها نخستین گام طراحی یک رهیافت تسهیلگر برای توسعه کسب و کارهای کشاورزی محسوب

*مسئول مکاتبه: Sharifsharifzadeh@gmail.com

می‌شود. از این‌رو، این مقاله، در پی طرح مفهومی و کارکردی کشاورزی پایدار کارآفرینانه بسان راهبردی برای توسعه و تسهیل فرآیند کارآفرینی در بخش کشاورزی است. همچنین این مقاله برخی چالش‌های زمینه‌ای، سازوکارهای عملی و دستاوردها و پیامدهای مورد انتظار از توسعه کسب و کارهای کشاورزی کارآفرینانه را معرفی می‌نماید.

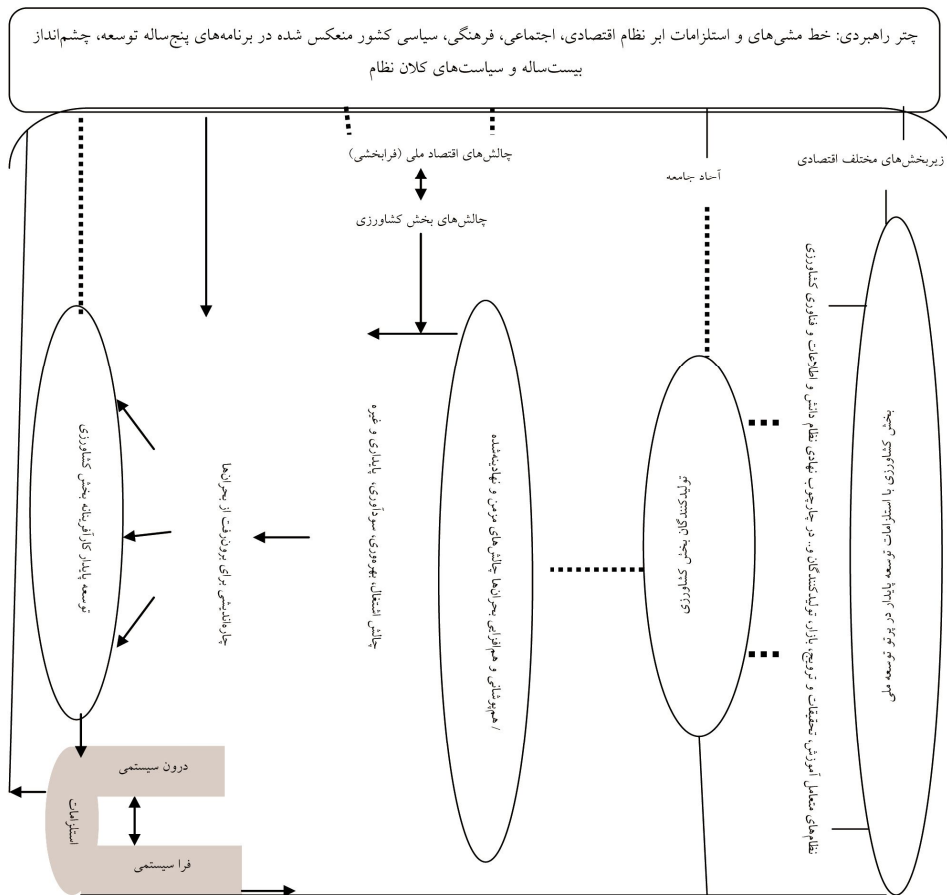
واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار کشاورزی، کشاورزی پایدار کارآفرینانه، کارآفرینی کشاورزی، کسب و کارهای کشاورزی

مقدمه

کنشگران توسعه بخش کشاورزی در راستای تحقق اهدافی چالش‌مند، نظیر کاهش فقر، توانمندسازی کشاورزان، معیشت پایدار، امنیت غذایی، اشتغال‌زایی و کارآفرینی، حفظ منابع طبیعی، رشد و حفظ بهره‌وری در سطح بهینه و غیره، تلاش می‌نمایند. بخش کشاورزی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، می‌بایست به‌عنوان ماشین رشد برای توسعه پایدار روستایی عمل نماید. موفقیت برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی به‌طور عمده در گرو توانمندی میلیون‌ها خانوار روستایی می‌باشد، یعنی کسانی که می‌بایست با بهره‌مندی از تسهیلات و حمایت‌های لازم، چرخ اقتصاد کشاورزی و روستایی را به‌صورت پویا و بالنده به حرکت درآورند. در این بین، نظام‌های ترویج کشاورزی، نقشی کلیدی را در جریان توسعه و رسانش دانش، اطلاعات و فناوری و نیز تسهیل پردازش و کاربرد مؤثر آن‌ها از سوی کشاورزان و خانوارهای روستایی جهت تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه و توانمندساز، ایفا می‌نمایند. تحولات فناورانه همراه با جهانی‌شدن بازارها و گسترش ارتباطات، فرصت‌های زیادی را برای بهبود کیفیت زندگی در سراسر جهان فراهم آورده است. با این‌حال، بسیاری از مردم جهان، به‌ویژه فقرا و کشاورزان خرده‌پا از چنین تحولاتی سود بسنده‌ای نبرده‌اند. چالش اصلی پیش‌روی جامعه جهانی، ساماندهی فرآیندهای توسعه در راستای زمینه‌سازی برای مشارکت و سودبری آحاد مردم از تغییرات انقلاب‌گونه در حوزه فناوری، ارتباطات و رشد اقتصاد جهانی است. در برخورد با چنین چالشی، توسعه پایدار بخش کشاورزی، عرصه‌ای کلیدی یا به‌واقع یکی از خطوط مقدم به‌شمار می‌رود و لازم است در سیاست‌گذاری ملی، راهبردها و راهکارهای مقتضی برای توسعه پایدار بخش کشاورزی گنجانده شود.

جهان امروزی در ارتباط با بخش کشاورزی با چالش‌های سه‌گانه‌ای روبرو است که عبارتند از پایدارتر، سودآورتر و بهره‌ورتر نمودن بخش کشاورزی. بیش از یک میلیارد نفر از جمعیت کشورهای در حال توسعه، در فقر به سر می‌برند و از آنجایی که منبع اصلی درآمد و امرار معاش اکثریت مردم فقیر مناطق روستایی از فعالیت‌های کشاورزی تأمین می‌شود، بنابراین توسعه بخش کشاورزی دستاوردهای مهمی را در راستای کاهش فقر و تحقق سایر اهداف توسعه در پی خواهد داشت. از دیگر سو، چون بخش کشاورزی با سایر بخش‌های اقتصادی جامعه پیوند تنگاتنگی دارد، بنابراین رشد بخش کشاورزی می‌تواند عاملی محرک برای رشد اقتصاد ملی در سطح کلان به حساب آید. شواهد بیانگر این است که توسعه بخش کشاورزی، می‌تواند نقش مهمی را در بهبود تغذیه از طریق بالا بردن کیفیت و کمیت محصولات غذایی، اشتغال‌زایی، درآمدزایی و ممکن‌سازی پس‌انداز و تشکیل سرمایه برای گروه‌های فقیر، ایفا نماید. همچنین طی بررسی‌های متعدد، کشاورزی به‌عنوان منبع فعال رشد اقتصادی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه شناخته شده است. برنامه‌ریزی برای توسعه بخش کشاورزی، می‌بایست با توجه به کارکردهای زیر به انجام رسد: (۱) توسعه اقتصادی تا حدی نیازمند افزایش محسوس تقاضا برای محصولات کشاورزی است و از این‌رو، کمبود تولیدات غذایی با توجه به رشد تقاضا می‌تواند عامل کندکننده رشد اقتصادی به حساب آید؛ (۲) توسعه صادرات محصولات کشاورزی می‌تواند یکی از مهم‌ترین ابزارها برای افزایش درآمد و کسب سرمایه (ارز) ناشی از معاملات خارجی و حضور رقابتی در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. با توجه به روند جهانی شدن و پیوند فزاینده و تنگاتنگ اقتصاد جوامع روستایی و بخش کشاورزی با بازارهای اقتصادی رو به گسترش در سطح بین‌المللی و در نتیجه انجام توافقات بین‌المللی همانند گات، بخش کشاورزی می‌تواند نقش متوازن‌گر را در روابط اقتصادی پویا بین مناطق و کشورهای مختلف ایفا نماید؛ و (۳) توسعه کشاورزی در رویه‌ای پایدار و هماهنگ با سایر بخش‌های اقتصادی جامعه می‌تواند تأمین‌کننده منابع سرمایه‌ای و نیروی کار- از طریق مکانیزاسیون مطلوب بخش کشاورزی و خروج برنامه‌ریزی شده نیروی کار مازاد- برای رشد و توسعه سایر بخش‌های اقتصادی جامعه، همانند خدمات و صنعت باشد و در کل به پویایی و رشد اقتصادی جامعه کمک نماید. علی‌رغم اهمیت فراوان بخش کشاورزی در اشتغال‌زایی، درآمدزایی و برآوردن نیازهای جامعه و با سرمایه‌گذاری‌های نسبتاً وسیع که اغلب از محل کمک‌ها و یارانه‌های دولتی به انجام رسیده است، بهره‌وری و تولید در بخش کشاورزی با توجه به نرخ فزاینده رشد جمعیت و نیازهای غذایی، رشد چشم‌گیری نداشته است. آشکارا، عوامل متعددی

در توسعه کشاورزی همسو با دیدمان نوین و تحقق اهداف مربوطه مؤثر هستند. در این بین، فناوری‌های کشاورزی علم‌محور که به‌وسیله پژوهش‌های کشاورزی توسعه یافته و با مداخله ترویج نشر می‌یابند، برای افزایش یا حفظ بهره‌وری و بهبود پایداری منابع طبیعی و محیط‌زیست و همچنین تقویت سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و اقتصادی کنشگران عرصه توسعه کشاورزی، به‌ویژه کشاورزان، ضروری می‌باشند. به‌واقع، توسعه پایدار بخش کشاورزی توأم با لحاظ نمودن استلزامات دیدمان نوین توسعه با توجه به برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته و چشم‌انداز توسعه ملی، ضرورتی انکارناپذیر است. این ضرورت ایجاب می‌نماید که بهره‌وری و رشد بخش کشاورزی به‌طور مستمر ارتقا یابد. این امر جز در پرتو توانمندسازی بهره‌برداران، بهینه‌سازی ترکیب منابع، توسعه فناوری‌های سازگار و فراهم‌سازی تسهیلات و زیرساخت‌های موردنیاز محقق نخواهد شد.



شکل ۱- کارآفرینی بسان راهبردی برای توسعه پایدار بخش کشاورزی.

از منظری کلیت‌گرا و همه‌جانبه‌نگر، لازم است که توسعه پایدار بخش کشاورزی در نظام کلان توسعه ملی مدنظر قرار گیرد. خطی‌مشی‌ها و استلزامات ابر نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی کشور منعکس شده در برنامه‌های کلان توسعه ملی نظیر برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلان نظام، بسان یک چتر راهبردی^۱ می‌ماند (شکل ۱). این چتر هدایتگر، پوشنده و جهت‌دهنده زیربخش‌های مختلف اقتصادی نظیر بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات

1- Strategic umbrella

می‌باشند. از سوی دیگر توسعه و پیشرفت در تمامی بخش‌ها از جمله بخش کشاورزی مرهون استقرار و استمرار کارکرد اثربخش نظام‌های کنشگری است. همپوشانی زیرنظام‌ها و بخش‌ها در ارتباط با بخش کشاورزی به شکل‌گیری یک حوزه کنشگری نهادی تحت عنوان نظام‌های متعامل آموزش، پژوهش‌ها و ترویج و غیره در چارچوب نهادی نظام دانش و اطلاعات و فناوری کشاورزی انجامیده است. بخش کشاورزی در مسیر حرکت به سوی توسعه پایدار همسو با سیاست‌های کلان نظام با یکسری چالش‌ها و بحران‌ها روبرو است که برخی از آن‌ها، به واسطه استمرار و نهادینه‌شدن ریشه‌ها، حالتی مزمن^۱ را به خود گرفته‌اند. ناهمواری و بی‌سامانی اشتغال، نبود جهت‌گیری کارآفرینانه و سرمایه‌گذاری مولدانه در بخش کشاورزی، ناکارآمدی سیاست‌های اتخاذ شده، بی‌انگیزگی و نااثربخشی بخش خصوصی، عقب‌ماندگی فناورانه و توسعه نیافتگی زیرساختی، ناکارآمدی نظام حمایتی، فرسایش منابع طبیعی و ظرفیت‌های تولیدی، آسیب‌پذیری بخش عظیمی از بهره‌برداران بخش کشاورزی، فرسایش انسانی در بخش کشاورزی، عدم توانمندی بهره‌برداران بخش کشاورزی برای رقابت سازنده در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی به دلیل عدم بهره‌گیری مطلوب از مزیت‌های نسبی و توسعه نیافتگی زنجیره‌های کشاورزی جهت کسب ارزش افزوده، گذار و تحول بی‌برنامه ساختار تولید و بهره‌برداری در بخش کشاورزی و مسایلی از این دست، از جمله مشکلات و چالش‌های پیش‌روی بخش کشاورزی به‌شمار می‌روند.

باز اندیشی نقش‌آفرینی ترویج کشاورزی در فرآیند توسعه پایدار کشاورزی: ضرورت‌هایی برای جهت‌گیری کارآفرینانه

کنشگران نظام دانش، اطلاعات و فناوری کشاورزی نقش خطیری را در ارتقای ظرفیت‌های تولید پایدار بخش کشاورزی عهده‌دار هستند و از این بین، کارکرد ترویجی این نظام و در واقع فعالیت مؤثر نظام ترویج کشاورزی مشتمل بر توسعه فناوری، دانش و اطلاعات کارآمد و فعالیت هم‌افزایانه با سایرکنشگران عرصه توسعه پایدار کشاورزی، نظیر کشاورزان و تشکل‌های کشاورزی، مؤسسات تحقیقاتی و مراکز آموزش عالی کشاورزی در قالب نظام دانش، اطلاعات و فناوری کشاورزی قابل ملاحظه است. کارگزاران امر به این نتیجه رسیده‌اند که اگر قرار بر این است ترویج کشاورزی از

1- Chronic

دغدغه‌های افزایش تولید فراتر رفته و در راستای موضوعات فراگیرتری نظیر پایداری نظام‌های تولید حرکت نماید، لازم است که کنشگران منظومه ترویج کشاورزی که از مؤلفه‌های متعاملی تشکیل شده است، تغییرات موردنیاز را درک نموده و برای اجرا و نهادینه‌سازی آن‌ها، تلاش هدفمندی را در دستور کار قرار دهند (جدول ۱).

فرآیند توسعه پایدار بخش کشاورزی بستر و چارچوب کنشگری ترویج کشاورزی به‌شمار می‌رود و تحول فرآیند مزبور، تغییر و تحول نظام ترویج کشاورزی را ایجاب می‌نماید. بخش کشاورزی به‌خاطر تحولات صورت گرفته در ارتباط با بازار، سیاست‌های بین‌المللی، سیاست‌های ملی و توسعه فناوری‌های نوین در حال تغییر است. تغییر بخش کشاورزی، تغییر کمیت و کیفیت نیازهای آموزشی - ترویجی مولدان بخش کشاورزی را در پی خواهد داشت. این نیازها تحت تأثیر فرایند تجاری شدن و تخصصی شدن بخش کشاورزی و ماهیت نوآوری‌های فنی و نهادی در راستای افزایش پایدار بهره‌وری در این بخش می‌باشد. گستره تغییرات برشمرده در مناطق و کشورهای مختلف متفاوت است و در بین گروه‌های مختلف، کشاورزان معیشتی با تعامل اندک با بازار، کمتر دستخوش تغییر و تحولات مزبور می‌شوند. صرف‌نظر از تحولات ساختاری و تشکیلاتی، و نیز کارکردی ترویج کشاورزی که در عمل با هم در پیوند می‌باشند، تغییر و تحول بستر کنشگری ترویج کشاورزی، یعنی فرآیند توسعه پایدار کشاورزی، یک‌سری الزامات را پیش‌روی کارگزاران ترویج کشاورزی قرار داده است و انتظار می‌رود ترویج کشاورزی در راستای الزامات مربوطه حرکت نماید (شکل ۲). در ادامه، در حدی جستارگشایانه برخی از این الزامات بررسی شده‌اند.

نشریه کارآفرینی در کشاورزی (۱)، شماره (۱) بهار ۱۳۹۳

جدول ۱- تحول در گستره‌های کنشگری ترویج و توسعه کشاورزی.

گستره مورد تأکید در گذشته	گستره نیازمند توجه در شرایط کنونی
- بخش دولتی - انتقال فناوری به کشاورزان از طریق	- تکثرگرایی و همکاری چندجانبه: بخش دولتی، بخش خصوصی، تشکل‌های محلی، سازمان‌های غیردولتی، مراکز بین‌المللی، ترویج کشاورز به کشاورز - تنوع کارکردی: آموزش، توسعه مشارکتی فناوری، ظرفیت‌سازی، تسهیلگری، ارائه خدمات مشاوره‌ای
- کشاورزان تماسی ثروتمند - تولید - تماس‌های چهره به چهره - افزایش عملکرد	- کلیه کشاورزان و آحاد مردم روستایی - تولید، بازاریابی، فراوری، مدیریت فرایند تولید و ضایعات و فرهنگ‌سازی برای مصرف بهینه - روش‌های گروهی، نهضت رسانه‌ای مبتنی بر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، رهیافت‌های مشارکتی و یادگیری چند کنشگرانه - بهره‌وری، افزایش درآمد، مدیریت ریسک، حفظ ظرفیت‌های تولیدی، ارزش افزوده
- وزارتخانه کشاورزی به‌عنوان متولی	- شبکه نهادی چندبخشی متشکل از نهادهای دولتی، غیردولتی و خصوصی
گستره کنشگری کارآ	گستره کنشگری نیازمند بهبود کارایی
- شناخت منابع نوآوری، دانش و فناوری محلی و فرآیند پذیرش نوآوری‌ها - کاهش تضاد و توافق‌رسی متعهدانه برای عمل جمعی و مشارکتی - خدمات رسانی به گروه‌های حاشیه‌ای - الگوهای کارآموزی و آموزش	- رویه‌های موجود برای توانمندسازی - کیفیت خدمات، به‌هنگامی پیام‌ها، مقرون به صرفگی و نظارت اثربخش - ترویج کارآفرینی و توسعه کسب و کارهای جدید در راستای اشتغال و درآمدزایی

بازارگرایی و تجاری شدن بخش کشاورزی: نظام‌های کشاورزی در حال تجاری شدن می‌باشند و سودآوری منتج از بهره‌وری بهینه برای کشاورزی تجاری دارای اهمیت است؛ چرا که با فشارهای برخاسته از آزادسازی تجارت و جهانی شدن، کشاورزان می‌بایست با بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی، افزایش بهره‌وری و ارزش افزوده و نیز نوآوری و کارآفرینی در سطوح مختلف به رقابت بپردازند. در چنین جو رقابتی، خدمات ترویجی می‌بایست رویکردی هدفمند به بازارها داشته باشند و از تمرکز

محدود بر تولید و نادیده‌انگاشتن سایر حلقه‌های زنجیره کشاورزی نظیر فرآوری، بازاریابی و مدیریت یکپارچه از تولید تا بازار جهت کسب مورد انتظار، بپرهیزند. در این راستا به خدمات ترویجی نیاز است که کشاورزان را کمک نماید تا به‌طور رقابتی و سودآور عمل نمایند، تولیداتشان را تنوع بخشیده و برای بازار تولید کنند، به سمت محصولات پربازده و دارای ارزش افزوده سوق نمایند. در بسیاری از کشورها، تداوم کارکرد خدمات ترویج دولتی متمرکز بر انتقال فناوری‌ها با غایت افزایش تولید و صدور محصولات خام، توجیه‌پذیر نیست؛ چرا که از یک‌سو، این فناوری‌ها و دانش فنی همراه به‌خوبی توسط عوامل دیگر همانند عرضه‌کنندگان خصوصی نهاده‌ها و کسب و کارهای تجاری ارایه می‌شوند و از دیگر سو، در کنار کارکرد انتقال تکنولوژی، لازم است سایر کارکردهای حمایتی و ظرفیت‌ساز با رویکرد گسترش کارآفرینی در بخش کشاورزی به انجام رسد. پیوند تنگاتنگ با بازار و گذر از رویکرد معیشتی، سبب‌ساز تغییر و تحول اساسی در ساختار تولید در بخش کشاورزی و به‌طور مشخص، نظام‌های تولید و بهره‌برداری بخش کشاورزی شده است و ردیابی تحول کمی و کیفی این نظام‌ها بیانگر این است که یک نوع اصلاحات غیررسمی^۱، تحت فشار مکانیزم‌های بازار و جریان‌های فناوری و مکانیزاسیون در بخش کشاورزی در جریان است که اثرات آن، از جمله در شمایل گونه‌شناسی و نسبت و ترکیب نظام‌های بهره‌برداری مختلف و مناسبات تولید و بازاری حاکم یا تبدیل و ادغام برخی نظام‌ها و انحلال نظام‌های دیگر که قادر به همسویی متوازن با تحولات تاثیرگذار نمی‌باشند، در نوع خود قابل ملاحظه است. همزمان با دستخوش تغییر شدن ساختار تولید و بهره‌برداری متعارف، در کنار نظام‌های بهره‌برداری متعارف، می‌توان شاهد زایش فزاینده کسب و کارهای کشاورزی برای پوشش فراگیر تمامی زنجیره‌های کشاورزی (تولید، خدمات، فرآوری، توزیع و بازاریابی) با رویکردی کارآفرینانه بود. این کسب و کارها که به‌دلیل چندگانگی مؤلفه‌های شاکله بسان یک کلیت یکپارچه و پویا، مرزبندی، فرآیندمداری برنامه‌مند، تعامل و غیره، درخور کسب عنوان

۱- چنین اصلاحاتی در مقایسه با اصلاحات ارضی که از سوی نهاد دولت یا به‌واقع رژیم حاکم اعمال گردید و تحول چشمگیر (صرف‌نظر از سازنده یا ناسازنده بودن) در ساختار تولید و مناسبات نهادی مربوطه را سبب شد، بیشتر از نهاد بازار متأثر شده‌اند؛ به‌عبارت دیگر، هر دو گونه تحول، ریشه نهادی دارند؛ با این تفاوت که اصلاحات ارضی، برنامه‌مند، نسبتاً رادیکال، رسمیت یافته (در قالب سیاست‌های رژیم) و حداقل به لحاظ اجرا و نه به لحاظ دستاورد و پیامد، مقطعی و از بالا به پایین، بسان تافته‌ای جدابافته از بستر، اعمال شدند؛ اما اصلاحات مرتبط با گذار از انگاره نظام بهره‌برداری به نظام کسب و کار در بخش کشاورزی، از بستر و مناسبات مربوطه برخاسته، تدریجی و تکامل‌یابنده می‌باشند و نوعی هم‌افزایی با سایر مداخله‌گری‌ها، همانند سیاست‌های نهادی، حمایتی و اعتباری دولت، روند سرمایه‌گذاری، تغییر ارزش منابع و انگاره‌های مالکیت، جریان‌های فناوری و غیره دارند.

نظام می‌باشند، در راستای سودآوری، کسب ارزش افزوده، تعادل دوگانه ابعاد عرضه و تقاضا با اولویت بعد تقاضا (تقاضا محوری)، فعالیت رقابتی و بازارگرایی، نوآوری و تلفیق فناوری و ترکیب بهره‌ورانه منابع تولید شکل گرفته و از رویکرد کارآفرینانه برخوردارند. به هر حال، زایش فرآیندهای این نظام‌های کسب و کار کارآفرینانه، علاوه بر این‌که بازاندیشی در مورد گونه‌شناسی متعارف نظام‌های تولید و بهره‌برداری در بخش کشاورزی را جهت شمول شایسته این نظام‌ها ضرورت بخشیده است، استلزاماتی را برای کارگزاران توسعه‌گر بخش کشاورزی، از جمله واحدهای ترویجی برای ارائه خدمات حمایتی درخور شرایط این نظام‌ها به‌همراه داشته است.

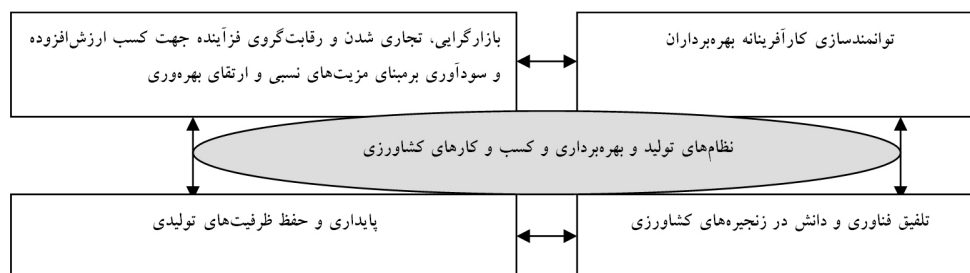
تلفیق دانش و فناوری در راستای گذار از کشاورزی منبع پایه به کشاورزی دانش پایه و بهره‌ورانه^۱

بالندگی سرمایه انسانی که در شمایل دسترسی به اطلاعات و فناوری، برخورداری از دانش، مهارت و نگرش سازنده و کاربست بخردانه آن‌ها متبلور می‌شود، نقش کلیدی را در تقویت پایداری در بخش کشاورزی و موفقیت طرح‌های توسعه روستایی ایفا می‌کند. ولف‌نسون^۲ (۱۹۹۷) از موضع رئیس سابق بانک جهانی بیان داشته است که ما سرمایه را به‌عنوان فاکتوری ارزشمند و کمیاب در فرآیند توسعه قلمداد می‌کنیم و شکل‌گیری سرمایه را به‌عنوان ابزار اصلی رشد می‌پنداریم. عوامل مهمی در بالندگی سرمایه‌های توسعه دخیل می‌باشند که دانش یکی از این عوامل به‌شمار می‌رود. در حال حاضر که دانایی محوری آرایه اصلی کارگزاران توسعه و مدیریت دانش، کار ویژه محوری آن‌ها به‌شمار می‌رود، علی‌رغم شکاف‌ها و نابرابری‌های موجود، بی‌تردید جریان خلق و کاربرد دانش و فناوری است که فرایندهای توسعه را به پیش می‌راند و تحقق اهداف مربوطه را ممکن می‌سازد. دستیابی و کاربست دانش و فناوری، انسان را در پیشبرد امور اقتصادی کار و نیز در دستیابی به یک زندگی انسانی تریاری می‌دهد و می‌تواند در توسعه منابع انسانی و توانمندسازی کنشگران اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. تحولات صورت گرفته در حوزه فناوری و بازار، فرصت‌های جدیدی را برای بهره‌مندی کشاورزان فراهم می‌سازند. در عوض، کشاورزان برای بهره‌مندی از فرصت‌های جدید و عمل رقابتی در پرتو تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه، نیازمند دسترسی بهتر به اطلاعات، دانش و فناوری و نیز تسهیلات ارتباطی هستند (Van den Ban, 1999). فرایند تولید و بهره‌وری در کشاورزی از لحاظ منابع طبیعی

1- Knowledge-Intensive and productive Agriculture

2- Welfensohn

در دسترس با محدودیت‌های زیادی مواجه است. بنابراین از این پس، افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی بیشتر ناشی از استفاده اثر بخش از نهاده‌ها و منابع، به‌کارگیری فناوری‌های نوین و مدیریت نظام‌های کشاورزی می‌باشد، تا گسترش سطح زیر کشت و افزایش مصرف نهاده یا مصرف منابع طبیعی مازاد. این امر نیازمند تلفیق مناسب دانش و فناوری در زنجیره‌های کشاورزی از تولید تا عرضه است. از این رو، ضروری است که کارگزاران ترویج کشاورزی نیروهای خود را بازسازی نمایند و در راستای ایفای نقش مؤثرتر در جریان توسعه دانش و فناوری با هدف بهره‌مندسازی بهره‌برداران بخش کشاورزی گام بردارند. همچنین ضروری است که توصیه‌های ترویجی و فناوری‌های کشاورزی با شرایط کشاورزان، محیط‌ها و حیطه‌های خاص تولیدی سازگار باشد (Carney, 1998). توسعه نوآوری (اعم از فنی و نهادی) با عاملیت کشاورزان نیازمند درونداد دانش و اطلاعات از سوی عواملان ترویجی می‌باشد. دانش و اطلاعات در جریان‌های تعاملی آموزش و در قالب فرایندهای یاددهی-یادگیری مشارکتی (کشاورزان، محققان، آموزش‌گران و مروجان و غیره) تبادل و پردازش می‌شود. عواملان ترویجی در قالب این جریان‌ها و با رویکرد مشارکتی، اقتضایی و انعطاف‌پذیر، می‌بایست به نیازهای ویژه کشاورزان برای دریافت اطلاعات، پردازش آن در راستای تولید دانش و کاربرد آن پاسخ گویند. تقویت دانش و مهارت کارآفرینانه کشاورزان در راستای تلفیق اقتضایی اطلاعات، دانش و فناوری در ترکیب بهینه منابع تولید، مسیر را برای دستیابی به بهره‌وری در بخش کشاورزی فراهم می‌سازد.



شکل ۲- چالش‌های زمینه‌ای توسعه و ترویج کارآفرینی کشاورزی.

حفظ ظرفیت‌های تولیدی و پیگیری مسایل زیست‌محیطی در راستای پیشبرد توسعه پایدار امروزه کمک به مردم و نهادهای مدنی در زمینه حفظ محیط‌زیست و مدیریت پایدار منابع طبیعی به‌عنوان هدفی مهم برای کنشگران توسعه پایدار کشاورزی مطرح است. راه‌اندازی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی در نظام آموزش عالی کشاورزی و یا حیطه‌های کاری نو در عرصه ترویج کشاورزی تحت عنوان‌های مختلف، نظیر ترویج منابع طبیعی، ترویج آبخیزداری، ترویج جنگلداری و... با تأکید بر مشارکت مردمی، تلفیق معیارهای زیست‌محیطی در برنامه‌های تحقیقاتی جهت توسعه فناوری‌ها و الگوهای تولید و بهره‌برداری همساز با محیط‌زیست^۱، نظیر کشت ارگانیک و کشاورزی آلی، کشت سبز، کشاورزی کم‌نهاد و مواردی از این دست، ارتقای آگاهی‌های عمومی و سیاست‌های هدایتی و حمایتی دولت، نوعی ادای دین در قبال بالندگی پایدار سرمایه‌های طبیعی، به‌شمار می‌رود. با توجه به ملاحظات برشمرده شده، لازم است که بهره‌برداران بخش کشاورزی، نظام‌های تولید و کسب و کارهای خویش را به گونه‌ای سامان دهند که عوارض منفی زیست‌محیطی، نظیر آلودگی و فرسایش کمی و کیفی منابع طبیعی و ضایعات مربوطه به کمینه برسد و منابع طبیعی و ظرفیت‌های تولیدی حفظ شوند. در این راستا، پیگیری مؤثر بحران‌های طبیعی و بشرساخت مرتبط با منابع طبیعی، حفاظت از تنوع زیستی و بهبود مدیریت حفاظت از منابع با مشارکت منسجم مردم و نهادها، کاهش مصرف نهاده‌های شیمیایی، به حداقل رسانی اثرات آن‌ها و تلاش برای یافتن جایگزین‌های طبیعی و کم‌خطر برای نهاده‌های شیمیایی پرمخاطره با تأکید بر کشاورزی طبیعی و همساز با زیست بوم‌های محلی، مدیریت ضایعات، حفاظت از کیفیت آب و آبخیزها، امنیت و سلامت غذایی و نیز ترویج نظام‌های ترکیبی سازگار نظیر نظام‌های زراعی- جنگلداری، جنگلداری اجتماعی، آبخیزداری و آبخوانداری، الگوهای کشت و تناوب‌های زراعی و باغی همساز و ظرفیت‌سازی برای مدیریت بحران‌های طبیعی نظیر خشک‌سالی از جمله کار ویژه‌های ترویج منابع طبیعی و محیط‌زیست به‌شمار می‌روند. تقویت کشاورزی پایدار و مدیریت متعهدانه منابع طبیعی نیازمند خدمات ترویجی است تا دانش و فناوری کشاورزی پایدار و مهارت‌های اجتماعی- اقتصادی موردنیاز برای تغییر هدایت‌مند نگرش‌ها و به تبع آن کارکردها در سطوح ملی و محلی و تنظیم توافقات نهادی متعهدانه برای مدیریت منابع طبیعی نهادینه شود و زمینه فرهنگ‌سازی همه‌جانبه و عمومی برای حفاظت و توسعه پایدار منابع طبیعی فراهم گردد.

حرکت در راستای توانمندی کشاورزان و بهره‌برداران بخش کشاورزی: در کنار مؤلفه‌های برشمرده شده، بایسته است اشاره شود که پایداری، بهره‌وری و سودآوری نظام‌های بهره‌برداری و کسب و کارهای کشاورزی زمانی میسر می‌شود که عامل انسانی یا به‌واقع سرمایه انسانی که نقش محور را در فرآیندهای مربوطه ایفا می‌کند، بالنده و توانمند باشد. در این راستا لازم است که ضمن تسهیل دسترسی کشاورزان و بهره‌برداران بخش کشاورزی به زیرساخت‌ها، تسهیلات و حمایت‌های موردنیاز از جمله بازار، نهاده‌های تولیدی، فناوری، اعتبارات و سرمایه، با آموزش و ترویج کارآفرینانه، زمینه توسعه قابلیت‌های حرفه‌ای آن‌ها در ابعاد دانشی، بینشی و مهارتی و در مجموع توانمندی آن‌ها فراهم شود. تدوین و پیاده‌سازی سیاست‌های مناسب، تقویت تشکلهای و نهادهای بخش کشاورزی، حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، تنظیم بازار و حمایت از کارآفرینان بخش کشاورزی و نظام‌های ترویج، آموزش و تحقیقات کشاورزی در قالب نظام دانش، اطلاعات و فناوری کشاورزی از جمله تدابیری است که می‌توان جهت توانمندی بهره‌برداران و کشاورزان و بالندگی بخش کشاورزی در نظر گرفت.

در جستجوی رهیافتی برای ترویج و توسعه کارآفرینانه کسب و کارهای کشاورزی

کارآفرینان کشاورزی به فعالیت‌هایی همانند پرورش گل، باغبانی، پرورش گیاهان دارویی، کشت محصولات زراعی نقدی، مرغداری، آبی‌پروری، دامداری، فرآوری محصولات لبنی، صنایع غذایی و سایر صنایع مرتبط با کشاورزی می‌پردازند و از روش‌های نوین تولید، تسهیلات آبیاری، حاصلخیزها و مواد و فنون کنترل آفات و امراض، ارقام به‌نژادی شده پربازده، خطوط فرآوری مکانیزه، سیستم‌های مدیریتی جدید و غیره برای دستیابی به بازده و سود بیشتر بهره می‌برند (Mohanty, 2006). از این منظر کشاورزی به‌عنوان یک عرصه یا بستری برای کارآفرینی در نظر گرفته می‌شود و توسعه کسب و کارهای کشاورزی نیز تجلی رفتار کارآفرینانه در این بخش محسوب می‌شود. از این‌رو کارآفرینی کشاورزی همگرایی سه عنصر کارآفرین، جریان کارآفرینی معطوف به کسب و کار و بخش کشاورزی را نشان می‌دهد. با توجه این موضوع در تبیین ابعاد محیطی کسب و کارهای کشاورزی لازم است توجه جدی به ویژگی‌های بخش کشاورزی و جریان کلی توسعه این بخش معطوف شود.

کسب و کارهای کشاورزی نمودگار واحدهای تجاری کشاورزی^۱ هستند که حلقه‌های متعدد زنجیره کشاورزی شامل تولید، فرآوری منتهی به ارزش افزوده، بسته‌بندی، توزیع و بازاریابی را با هم پیوند می‌دهند و نسبت به نظام‌های بهره‌برداری متعارف کشاورزی، از رویکرد ریسک‌گرا، تجاری، بازاری و سودگرا برخوردارند و مدیریت آنها نیازمند دانش و مهارت تخصصی و بهره‌گیری از فناوری‌های جدید برای کسب ارزش افزوده، ارتقای مستمر بهره‌وری و بهبود کیفیت محصولات و خدمات عرضه شده به بازار است (APO, 2003). شکل‌گیری و رشد این واحدهای بنگاه‌گونه که مستلزم ورود، همگرایی، رقابت و در هنگام لزوم، خروج از عرصه کسب و کار و بازار است، با فرآیند کارآفرینی و توسعه کسب و کار همسو است.

ایجاد اشتغال، کاهش فشار بر منابع طبیعی و حفظ و بهره‌گیری متوازن از ظرفیت‌های تولیدی بخش کشاورزی و حرکت در راستای تنوع‌بخشی به منابع درآمدی و پایدارسازی نظام معیشت روستایی، بهره‌وری، نوآوری، بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی و ارزش‌افزوده‌زایی، تولید محصولات و ارائه خدمات جدید، تولید و جذب ثروت و سرمایه، پویاسازی گردش سرمایه و اعتبارات، ارتقای سطح فناوری، یکپارچگی با بازارها و جریان‌های اقتصادی از جمله دستاوردهای مورد انتظار از توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه در بخش کشاورزی و مناطق روستایی به‌شمار می‌رود. توسعه این کسب و کارها، نیازمند همکاری تمامی نهادهای ذریع و نیز تشکلهای محلی بر مبنای رویکرد شبکه‌سازی، تلفیق روند حمایت‌های بیرونی با فرآیند بسیج منابع محلی در راستای ظرفیت‌سازی، توانمندسازی و توسعه اجتماعی _ اقتصادی بر پایه یک رهیافت مشارکتی و یکپارچه و چندکارکردی است. از جمله مؤلفه‌های چنین رهیافتی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:^۲

- تسهیل دسترسی به آموزش، کارآموزی حرفه‌ای و مساعدت فنی؛
- تسهیل دسترسی به منابع اعتباری و سرمایه‌ای متنوع^۳؛
- ساماندهی شبکه‌های حمایتی^۴ در برگیرنده کارگزاران بخش‌های مختلف و ترویج فرهنگ توانمندسازی و کارآفرینی^۵؛

1- Agribusiness

۲- اقتباسی از Western Rural Development Center

3- Access to a diversity of capital

4- Entrepreneurship and enabling culture

5- Supportive public policies

- سیاست‌های عمومی حمایتی^۱ در راستای رفع موانع نهادی پیشروی کارآفرینی از جمله مقررات دست و پاگیر اداری و ارایه مشوق‌ها و حمایت‌های موردنیاز؛ و

- مدیریت فرایندها و مؤلفه‌های پیشین بسان یک سیستم یکپارچه از طریق ساماندهی مراکز منطقه‌ای توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه کشاورزی و روستایی با همکاری نهادهای محلی، همانند مراکز ترویجی، دهیاری‌ها، شوراهای تشکل‌های کشاورزی، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، بانک‌ها و غیره. در این راستا، برای هماهنگی راهبردی، تدوین طرح ملی توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی و جامعه روستایی^۲ با محوریت وزارت جهاد کشاورزی و با همکاری سایر دستگاه‌ها در سطوح مختلف امری ضروری می‌نماید. با توجه به جایگاه شناخته شده ترویج در فرآیند توسعه کشاورزی و روستایی، هرگونه مداخله‌گری یکپارچه و جامع در راستای فرآیند مزبور، نیازمند بهره‌گیری نهادمند و برنامه‌ریزی شده از کارکرد ترویج، همسو و هماهنگ و هم‌راستا با دیگر کارکردها می‌باشد. در این راستا، سایده و کائور (Sidhu and Kaur, 2006) کارویژه‌های زیر را برای ترویج در جریان توسعه کارآفرینی برشمرده‌اند:

- آگاه‌سازی و آگاهی‌بخشی پیرامون عرصه‌های نوآوری، کارآفرینی و توسعه کسب و کار؛

- انگیزه‌بخشی به کارآفرینان^۳ از طریق تشریح دستاوردها و پیامدهای حاصله؛

- توسعه خبرگی و مهارت موردنیاز در زمینه کسب و کارهای مربوطه نظیر تولید، فرآوری، افزایش ارزش‌افزوده، بازاریابی، فنون ارتقای کیفیت، مدیریت و غیره؛

- تسهیلگری و حمایت‌گری مستمر در راستای پایداری از طریق شناسایی و رفع موانع، ارایه خدمات مشاوره‌ای و توصیه‌های هدایتگرانه؛ و

- شبکه‌سازی بر مبنای برقراری پیوند بین کسب و کارهای توسعه یافته، بنگاه‌های تجاری، بازارها و سایر نهادها در سطوح مختلف.

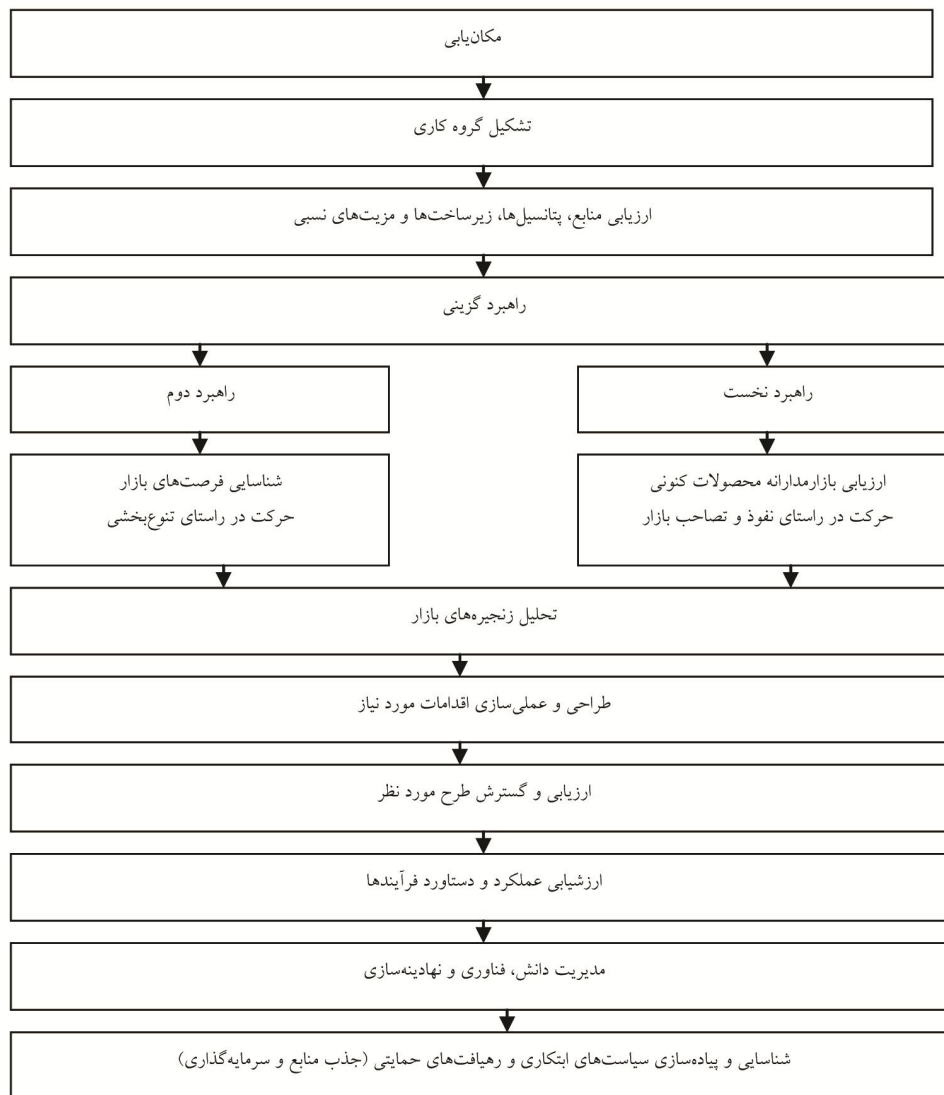
ترویج و توسعه کسب و کارهای کشاورزی بر مبنای رویکرد کارآفرینانه می‌بایست بر مبنای یک نقشه راه و راهنمای عمل صورت پذیرد. در شکل (۳) فرآیند ترویج و توسعه کسب و کارهای کشاورزی برحسب یک‌سری از گام‌های متوالی ترسیم شده است. لازم به ذکر است که دست‌اندرکاران

1- Supportive Networks

2- The National Rural and Agricultural Entrepreneurship Development Program

3- Motivating Entrepreneurs

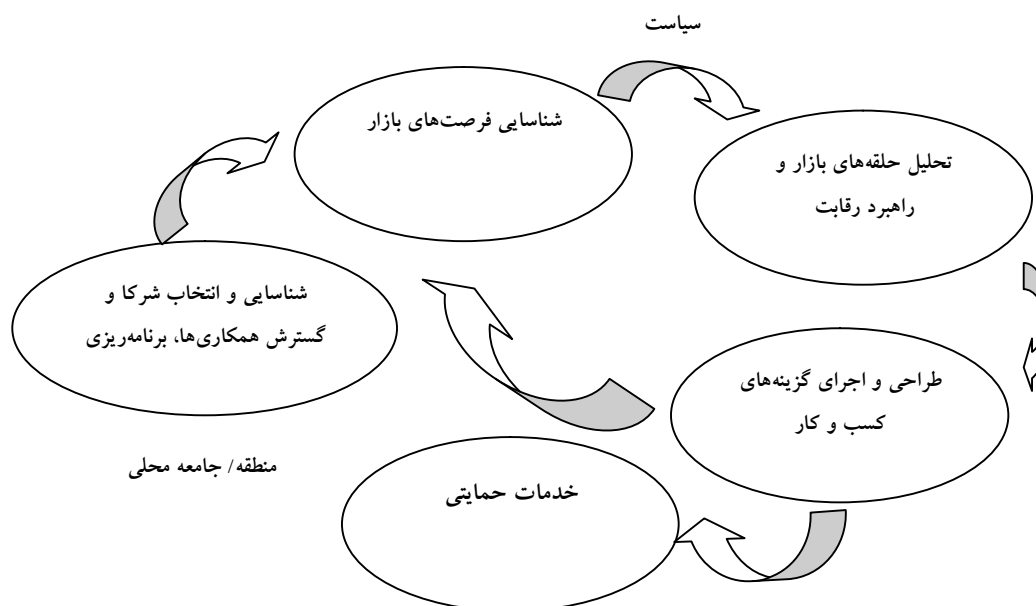
فرآیند ترویج و توسعه کارآفرینی یک فرآیند چندکارکردی بوده و تحقق آن در عمل نیازمند کنشگری کارگزاران مختلف در قالب یک شبکه نهادی هماهنگ می‌باشد. همان‌طور که در این شکل تبیین شده است، راهبردهای متفاوتی برای ترویج و تسهیل فرآیند توسعه کسب و کارهای کشاورزی وجود دارد که کارگزاران امر با توجه به اهداف گروه هدف، شرایط منطقه و غیره نسبت به انتخاب آن اقدام می‌نمایند.



شکل ۳- الگوی فرآیندی ترویج و توسعه کسب و کارهای کشاورزی.

در عمل توسعه و ترویج کارآفرینانه کسب و کارهای کشاورزی، نه یک روند خطی، بلکه چرخه‌ای پویا و تکرار شونده است (باتملی، ۱۹۸۹؛ Lundy, M., et al., 2006). بازارگرایی، تقاضامداری، فرصت‌شناسی، بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی و توانش بسیج منابع و ترکیب سرمایه‌ها برای بهره‌گیری

از فرصت‌ها و مزیت‌های موجود از ارکان و مؤلفه‌های اساسی رهیافت توسعه کسب و کارهای کشاورزی به حسب می‌آید (شکل ۴).



شکل ۴- مؤلفه‌های رهیافت توسعه کسب و کارهای کشاورزی.

سازوکارهای ترویج و تسهیل کارآفرینی کشاورزی: علی‌رغم اهمیت فراوان بخش کشاورزی در اشتغال‌زایی، درآمدزایی و برآوردن نیازهای جامعه و با سرمایه‌گذاری‌های نسبتاً وسیعی که اغلب از محل کمک‌ها و یارانه‌های دولتی به انجام رسیده است، بهره‌وری و تولید در بخش کشاورزی با توجه به نرخ فزاینده رشد جمعیت و نیازهای غذایی، رشد چشم‌گیری نداشته است. این ضرورت ایجاب می‌نماید که بهره‌وری و رشد بخش کشاورزی به‌طور مستمر ارتقا یابد. این امر جز در پرتو توانمندسازی بهره‌برداران، بهینه‌سازی ترکیب منابع، توسعه فناوری‌های سازگار و فراهم‌سازی تسهیلات و زیرساخت‌های موردنیاز محقق نخواهد شد. بهره‌برداران و کنشگران زنجیره‌های بخش کشاورزی همانند هم‌قطاران خویش در سایر بخش‌های اقتصادی تحت تأثیر نیروهای جهانی‌سازی و جهانی‌شدن، می‌بایستی با ملزومات تجاری شدن، حاکمیت اقتصاد بازار، آزادسازی اقتصاد و از همه

مهم‌تر، رقابت فزاینده در عرصه جهانی کنار آیند. تصویب توافق‌نامه جهانی تعرفه و تجارت (گات) به‌عنوان تلاشی برای نهادینه‌سازی این رقابت، نمونه بارز تبلور ملزومات مزبور در سطح بین‌المللی می‌باشد. کنشگران بخش کشاورزی برای رویارویی با این چالش‌ها، می‌بایست خود را برای ایفای نقش‌های جدید، نه تنها در قالب کارکردهای معیشتی به‌عنوان تأمین‌کننده غذا و نیز کارکردهای تکمیلی، برای اشتغال‌زایی و ارتقای بهره‌وری نیروی کار، بلکه به‌منظور استفاده بهینه از مزیت‌های نسبی بخش کشاورزی در عرصه تولید، بهره‌گیری از فرصت‌های بازار در سطح ملی و بین‌المللی، کسب ارزش افزوده با رویکرد کارآفرینانه، آماده سازند. در کنار چالش‌های برشمرده شده که بیشتر در سطح بین‌المللی تأثیرگذار می‌باشند، حفظ ظرفیت‌های تولید، منابع طبیعی و زیست‌بوم‌های کشاورزی، توسعه منابع انسانی و کاهش فرسایش نیروی کار در بخش کشاورزی، تلفیق فناوری، سرمایه‌گذاری بسنده و همگامی با سایر بخش‌ها در پرتو چشم‌انداز توسعه ملی از دیگر چالش‌هایی است که کنشگران بخش کشاورزی در سطوح ملی و محلی با آن روبرو می‌باشند. بسیاری از کشورهای در حال توسعه، علی‌رغم ضرورت پرورش و بهسازی ظرفیت‌های بخش کشاورزی برای رقابت در سطح جهانی، با مشکلات و مسایل مزمنی همچون، فقر روستایی، فرسایش انسانی، ناپایداری معیشت خانوارهای کشاورز، تخریب فزاینده منابع، عقب‌ماندگی فناورانه و توسعه نیافتگی زیرساختی مواجه‌اند. توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی یکی از رویکردها و سازوکارهای راهبردی برای رویارویی با چالش‌های برشمرده شده برای توسعه پایدار بخش کشاورزی به‌شمار می‌رود. به‌واقع، کارآفرینی از عناصر دیدمان در حال ظهور توسعه پایدار کشاورزی به‌شمار می‌رود و لازم است کارگزاران امر، تلاشی هدفمند، برنامه‌ریزی شده و راهبردی را برای تسهیل توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی یا تحقق کشاورزی پایدار کارآفرینانه در تعامل با سایر کنشگران در چارچوب نظام دانش، اطلاعات و فناوری کشاورزی^۱ به انجام رسانند.

توسعه کسب و کارهای کشاورزی با رویکرد کارآفرینی یکی از سویه‌های ضروری فرآیند توسعه پایدار بخش کشاورزی به‌شمار می‌رود و انتظار می‌رود کارگزاران امر با تدوین رهیافتی یکپارچه و فرایندمدار در این زمینه مؤثر ظاهر شوند. با مرور مباحث مطرح شده و الگوهای ترسیم‌شده و نیز با

1- Agricultural information, knowledge and technology system

توجه به مفاهیم، نظریه‌ها و تجارب مستند^۱ و نیز سیاست‌های برشمرده شده، می‌توان به یک‌سری گزاره‌های مفهومی در ارتباط با توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه کشاورزی دست یافت که به‌واقع بنیان‌های و آرایه‌های رهیافت‌های موردنظر نیز محسوب می‌شوند (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸):

۱- کارآفرینی و توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه در بخش کشاورزی به جای این‌که یک کنش مقطعی ایستا^۲ باشند، فرآیندهای پویا^۳ مشتمل بر کنش، واکنش و برهمکنش مجموعه‌ای از کارگزاران و دست‌اندرکاران امر می‌باشند. بنابراین لازم است هم استمرار و تداوم برخاسته از توالی زنجیره کنش‌های شاکله فرآیندهای مزبور به حساب آید و هم پویایی حاصل از واکنش و برهمکنش کنش‌های مزبور مدنظر قرار گیرند.

۲- هر کسب و کار کارآفرینانه در بخش کشاورزی در نوع خود یک سامانه می‌باشد. این امر می‌طلبد که با رویکردی سامانه‌مند^۴، مؤلفه‌های این سامانه‌ها و پیوند درون سیستمی و برون سیستمی آن‌ها به مثابه یک کلیت منسجم و پویا به حساب آید.

۳- کارآفرینی و توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه کشاورزی پدیده یا هستار^۵ می‌باشند که نمود و نمو یا به‌واقع پیدایش و رشد آن، نیازمند فراهم‌سازی شرایط لازم است. این امر ایجاب می‌کند که: - همواره بستر و شرایط لازم فراهم شود و موانع پیش‌رو شناسایی و برطرف شوند و از دیگر سو، پیش‌برنده‌ها و تسهیلگرها قوت یابند.

- با رویکردی اقتضایی و واقع‌نگر^۶، ملاحظات موقعیتی^۷ شناسایی شده و به‌جای نسخه‌پیچی و الگوبرداری استاندارددگرایانه، به توسعه و ترویج الگوهای بومی و وطنی و رهیافت‌های سرزمینی^۸ اقدام شود.

1- Teece, D.J., Pisano, G., and Shuen, A. 1997. Taub, Richard P. 2004. Steensma, K., Marino, L., Weaver, M., and Dickson, P. 2000. Sohn, J.H.D. 1994. Shrader, R., and Simon, M. 1997. Shane, S., and Venkataraman, S. 2000. Sexton, D., Pricer, R., and Nenide. 2000. Kreft, Steven F., and Russell S. Sobel. 2005. Kannianen, Vesa, and Timo Vesala. 2005. Babson Park, MA. Shane, S. 1993.

2- Static action-oriented

3- Dynamic process

4- Systemic

5- Phenomena

6- Realistic perspective

7- Specific-situation considerations

8- Native-models and Territorial Approach

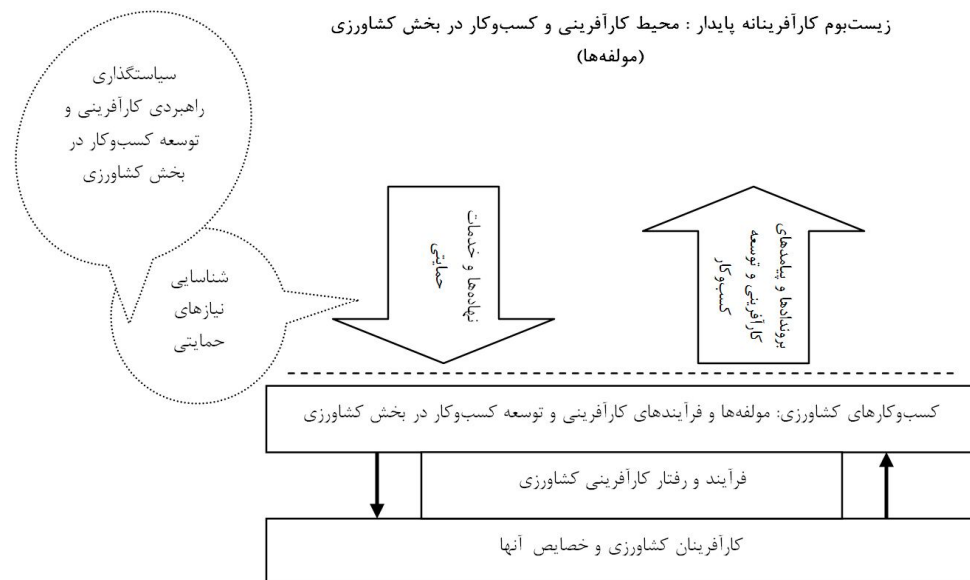
۴- کارآفرینی و توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه در بخش کشاورزی و به طور مشخص ترویج کسب و کارهای کارآفرینانه کشاورزی نوعی پراکسیس^۱ یا اندیشه منتهی به عمل، است. این امر می‌طلبد که با بازشناسی و تدوین مبانی نظری و بنیان‌های فلسفی امر، رهیافتی اقتضایی^۲ برای گسترش کارآفرینی در قالب توسعه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی تدوین و به کار بسته شود.

۵- هرگونه کنشگری مبتنی بر رهیافت ترویج و توسعه کارآفرینی، نیازمند رویکرد شبکه‌ای و به عبارتی، شبکه‌سازی^۳ جهت شمول کنشگران مختلف این عرصه، بر مبنای ساماندهی پیوند و تعامل پویا بین آنها و نیز تقسیم کار هماهنگ بین آنها جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌های مربوطه است.

۶- کارکردها و مداخله‌گری‌های نهادی در راستای توسعه و ترویج کسب و کارهای کارآفرینانه کشاورزی به لحاظ فرآیندی و دستاوردی بهم مرتبط می‌باشند. بنابراین، هرگونه مداخله‌گری جهت توسعه سامانه‌های مزبور نیازمند برنامه‌ریزی جهت بهره‌گیری از هم‌افزایی^۴ کارکردهای مورد نیاز در قالب یک رهیافت یکپارچه و چندکارکردی^۵ است که ترویج، یکی از آنها به‌شمار می‌رود.

بر پایه مباحث به عمل آمده، آرایه‌های برشمرده شده و الگوهای ترسیم شده، ساز و کارهای زیر را می‌توان برای ترویج و توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه کشاورزی پیشنهاد داد. لازم به ذکر است هدف غایی از پیگیری سازوکارهای مطرح شده فراهم‌سازی یک محیط توانمندساز برای کارآفرینی است (شکل ۵).

-
- 1- Praxis
 - 2- Contingency approach
 - 3- Networking
 - 4- System synergy
 - 5- Integrated multi-functional approach



شکل ۵- فراهم‌سازی یک محیط حمایتی توانمندساز برای کارآفرینی و توسعه کسب و کار در بخش کشاورزی!

- تقویت شبکه ترویج کشاورزی کشور در راستای ساماندهی نظام ملی ترویج کشاورزی کشور با مشارکت دولت (معاونت ترویج و نظام‌های بهره‌برداری)، بخش خصوصی، بخش تعاون، تشکل‌های بخش کشاورزی و غیره در تعامل تنگاتنگ با مراکز آموزشی و تحقیقاتی و دستگاه‌های اجرایی در راستای تسهیل توسعه کسب و کارهای کشاورزی بر مبنای رویکرد کارآفرینی با اولویت‌بخشی به کارویژه‌هایی همانند تسهیلگری، ظرفیت‌سازی و توانمندسازی؛

- توانمندسازی و ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای کارگزاران ترویجی در زمینه توسعه و ترویج کارآفرینی و توسعه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی برپایه نیازسنجی، آموزش و بازآموزی، ارائه مشوق‌ها، بهره‌گیری از نیروهای متخصص و کارشناس در تیم‌های مشاوره ترویجی و غیره؛

- شناسایی مؤلفه‌ها و تدوین رهیافتی یکپارچه برای ترویج و توسعه کسب و کارهای کشاورزی بر مبنای رویکرد کارآفرینی به اقتضای شرایط و ملاحظات موقعیتی و اهداف موردنظر، شناسایی و پوشش گروه‌های هدف از طریق روش‌ها و کار ویژه‌های مقتضی؛

- تسهیل دسترسی کارآفرینان و متقاضیان توسعه کسب و کارهای کشاورزی به منابع اعتباری، سرمایه و تسهیلات بانکی برای پیاده‌سازی ابتکارات خویش. در این راستا، راه‌اندازی صندوق حمایت از کارآفرینی کشاورزی و روستایی و تصویب اعطای وام و تسهیلات اعتباری از سوی بانک‌ها به کارآفرینان و متقاضیان راه‌اندازی کسب و کارهای کشاورزی تحت عنوان وام‌های کارآفرینی و کسب و کار، چه به صورت فردی و چه به صورت تعاونی و گروهی، می‌تواند مدنظر قرار گیرد؛

- شبکه‌سازی، سیاست‌گذاری حمایتی تسهیلات و هماهنگ‌سازی کارگزاران نهادی درگیر در جریان توسعه کسب و کارهای کشاورزی و کارآفرینی در بخش کشاورزی از سوی دولت با مشارکت تشکل‌های محلی، ارگان‌ها و دستگاه‌های دولتی ذیربط نهادهای میانجی^۱ نظیر سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، خانه کشاورز، سازمان‌های غیردولتی و غیره. در این راستا لازم است با تدوین سند ملی یا طراحی نظام‌نامه، نهضت^۲ یا طرح ملی توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی، وظایف کارگزاران مختلف مشخص شود و زمینه برای سیاست‌گذاری راهبردی و عمل هماهنگ آن‌ها در این زمینه فراهم آید. همچنین، ساماندهی مراکز توسعه کارآفرینی و کسب و کارهای کشاورزی با مشارکت و همکاری ارگان‌ها و تشکل‌های ذیربط در سطوح صفی در هماهنگی امور و بسیج منابع، تدبیری کارآ و اثربخش به نظر می‌رسد؛

- پیمایش و پایش ملی جهت شناسایی مزیت‌های نسبی و فرصت‌های اشتغال‌زایی و غیرزراعی^۳، زمینه‌های کارآفرینی و توسعه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی و برنامه‌ریزی آمایشی^۴ و سیاست‌گذاری هدایتی برای بهره‌گیری از آن‌ها. در این راستا، تدوین نظام یا بانک جامع اطلاعات کارآفرینی، اشتغال و کسب و کارهای کشاورزی و روستایی می‌تواند سازوکاری مؤثر برای هدایت کارگزاران امر بر مبنای رویکردی آمایشی به حساب آید؛

- توسعه زیرساخت‌ها و فناوری، بخش‌های صنایع تبدیلی، تکمیلی و خدماتی، و حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و مناطق روستایی از سوی دولت در جریان بسترسازی برای توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه و اشتغال مولدانه ضروری می‌نماید؛

-
- 1- Intermediate institution
 - 2- National campaign
 - 3- On /off farm employment
 - 4- Spatial planning

- برنامه‌ریزی برای افزایش ارزش افزوده زنجیره‌های کشاورزی^۱، به‌ویژه، در مرحله پس‌پردازش^۲، در روند فراوری، نگهداری، بازاریابی و بازاریابی، خدمات و مدیریت ضایعات، راهبردی ضروری برای رسیدن به سودآوری، بهره‌وری و کارآفرینی در فرآیند توسعه پایدار کشاورزی محسوب می‌شود. در این راستا، تحلیل حلقه‌ها یا زنجیره‌های مربوطه، به‌ویژه حلقه‌های بازار^۳ جهت افزایش ارزش افزوده و بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی یکی از مؤلفه‌های اساسی توسعه کسب و کارهای کشاورزی محسوب می‌شود؛

- تدبیر ساختکارهای نهادی برای ساماندهی بازار کشاورزی برپایه مکانیزم عرضه و تقاضا، حذف واسطه‌ها، از طریق تقویت بورس محصولات کشاورزی، تصویب و اعمال سیاست‌های مناسب در زمینه واردات، صادرات، قیمت‌گذاری و اعطای یارانه به محصولات کشاورزی، مداخله‌گری کمینه و بهنگام دولت در راستای تضمین پویایی و ثبات بازار، حضور فعال در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی با درک استلزامات نهادی، پذیرش شروط و اعمال استانداردهای مصوب در قالب توافق‌نامه‌ها، پیش‌بینی نیازهای بازار، ارائه مشوق‌ها برای ساماندهی صادرات محصولات کشاورزی با توجه به مزیت‌های نسبی، فراهم‌سازی تسهیلات حمل و نقل، گمرک، انبارداری، شبکه‌های اطلاع‌رسانی، خدمات مشاوره و تبلیغات بازار و غیره؛

- تأمین امنیت سرمایه‌گذاری مولدانه، کاهش ریسک فعالیت‌های کشاورزی هم در مرحله تولید و هم پس از تولید از طریق گسترش بیمه محصولات کشاورزی و هدفمند نمودن یارانه‌ها و مداخله‌گری مقتضی دولت در بازار محصولات کشاورزی؛

- توسعه، ترویج و تلفیق کاربرد دانش و فن‌آوری‌های نوین در زنجیره‌های کشاورزی بر مبنای سرمایه‌گذاری برنامه‌مند در پژوهش و توسعه کشاورزی؛

- ساماندهی و گسترش خدمات مشاوره فنی، آموزش‌های کوتاه‌مدت، زودبازده، متناسب با بازار و کاربردی در بخش کشاورزی نظیر آموزش‌های علمی- کاربردی و فنی- حرفه‌ای در راستای بهبود توان حرفه‌ای بهره‌برداران بخش کشاورزی در راستای کارآفرینی و توسعه کسب و کارهای کشاورزی در قالب ساماندهی شبکه پشتیبانی کارآفرینی کشاورزی^۴ و ایجاد پرورشگاه‌های کارآفرین در مناطق روستایی^۵؛

- 1- Value- added of agricultural chains
- 2- Post- production
- 3- Market chains
- 4- Supportive Agricultural Entrepreneurship Network
- 5- Rural incubators

- حمایت‌های نهادی و اعتباری از راه‌اندازی تعاونی‌های کارآفرین و کسب و کارهای مولد از سوی زنان، جوانان روستایی و دانش‌آموختگان کشاورزی در بخش کشاورزی به‌ویژه در زمینه صنایع تبدیلی و فرآوری و حوزه‌های جدید نظیر کشت‌های گلخانه‌ای و ... در راستای کارآفرینی گروهی و اجتماعی، تشکیل سرمایه، بسیج منابع و غیره؛
- راه‌اندازی و تقویت کنشگری نهادهای میانجی، نظیر اتحادیه بهره‌برداران و شبکه کسب و کارهای کشاورزی در جریان سیاست‌گذاری و مدیریت امور در کنار نهادها و دستگاه‌های مسئول؛
- اصلاح نظام بهره‌برداری و ساختار تولید و مالکیت در بخش کشاورزی در راستای ترغیب اشتغال کارآفرینانه و توسعه کسب و کارهای کشاورزی با توجه به پتانسیل‌ها و مزیت‌های نسبی؛
- تلفیق مؤلفه‌های کارآفرینی و استلزامات حرفه‌ای توسعه کسب و کارهای کشاورزی در برنامه کنونی مراکز آموزش کشاورزی و راه‌اندازی گرایش‌های کارآفرینی کشاورزی و مدیریت کسب و کارهای کشاورزی در این مراکز برای پرورش نیروی انسانی توانمند جهت پیشبرد کارآفرینی در بخش کشاورزی با توجه به نیازهای بخش کشاورزی و بازار کار بر مبنای برآوردهای دقیق با رویکرد آینده‌نگرانه توأم با شناسایی فرصت‌ها، پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های کارآفرینی و اشتغال در بخش کشاورزی؛
- تغییر حرفه‌ای، ماهیتی و کارکردی برنامه‌مند و نهادمند ترویج کشاورزی از ماهیت متعارف در مقام آموزشگر یا انتقال‌دهنده فناوری به تسهیلگری برای نوآوری، کارآفرینی، ظرفیت‌سازی و غیره؛ و
- ترویج و تلفیق اصول و معیارهای کشاورزی پایدار، نظیر حفظ ظرفیت‌های تولیدی و منابع طبیعی، امنیت و سلامت غذایی، ایمنی زیستی و غیره در فرآیند کارآفرینی و توسعه کسب و کارهای کشاورزی.

منابع

۱. باتملی، ت. ۱۹۸۹. مؤسسات کشاورز- محور برای توسعه کشاورزی: فعالیت تعاونی‌ها در امور اعتبار، عرضه و بازاریابی. ترجمه علی کمالی، مهدی گنجیان و محمد اسماعیل نوشمند. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل توسعه روستایی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۴۷، ۱۳۸۲، ۲۲۲ ص.
۲. شریف‌زاده، ا.، محبوبی، م.ر.، عربیون، ا. ۱۳۸۸. تبیین مؤلفه‌های توسعه کسب و کارهای کشاورزی در استان گلستان. توسعه کارآفرینی، ۱(۴): ۸۵-۱۱۲.

3. APO. 2003. Development of Agribusiness Enterprises (edited by Robert Oliver), Report of the APO Seminar on Development of Agribusiness Enterprises (Indonesia, 20–24 November 2000). Asian Productivity Organization, Tokyo.
4. Babson Park, M.A., Shane, S. 1993. Cultural influences on national rates of innovation. *Journal of Business Venturing*, 8: 59-73.
5. Carney, D. 1998. Changing private and public roles in agricultural service provision. London: ODI, Natural Resources Group.
6. Kannianen, V., Timo, V. 2005. Entrepreneurship and Labor Market Institutions. *Economic Modeling*, 22(5): 828-47.
7. Kreft, S.F., Russell, S., Sobel, T. 2005. Public Policy, Entrepreneurship, and Economic Growth. *Cato Journal*, 25(3): 595-616.
8. Lundy, M., Carlos, F., Ostertag, M.V.G. 2006. A Territorial based Approach to Agro-Enterprise Development. Rural Agro-enterprise Development Project, CIAT. [Available online] <http://www.ciat.org/>
9. Mohanty, S.K. 2006. Fundamentals of Entrepreneurship. Prentice Hall of India, New Delhi.
10. Sexton, D., Pricer, R., Nenide, P. 2000. Measuring performance in high growth firms. Presented at the Babson-Kauffman conference,
11. Shane, S., Venkataraman, S. 2000. The promise of entrepreneurship as a field of research. *Academy of Management Review*, 25(1): 217-226.
12. Shrader, R., Simon, M. 1997. Corporate versus independent new ventures: Resource, strategy, and performance differences. *Journal of Business Venturing*, 12: 47-66.
13. Sidhu, K., Sukhjeet, K. 2006. Development of Entrepreneurship among Rural Women. *J. Soc. Sci.*, 13(2): 147-149.
14. Sohn, J.H.D. 1994. Social knowledge as a control system: A proposition and evidence from the Japanese FDI behavior. *Journal of International Business Studies*, 25: 295-324.
15. Steensma, K., Marino, L., Weaver, M., and Dickson, P. 2000. The influence of national culture in the formation of technology alliances by entrepreneurial firms. *Academy of Management Journal*, 43(5): 951-973.
16. Taub, R.P. 2004. Doing Development in Arkansas. Fayetteville, AR: University of Arkansas Press.
17. Teece, D.J., Pisano, G., Shuen, A. 1997. Dynamic capabilities and strategic management. *Strategic Management Journal*, 18: 509-533.
18. Van den Ban, A. 1999. Agricultural development: Opportunities and threats for farmers and implications for extension organizations. *Journal of Agricultural Education and Extension* 6(3): 145-156.
19. Western Rural Development Center. 2005. The National Coalition for Rural Entrepreneurship initiative and the Rural Entrepreneurship Development



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 1 (1), 2014
<http://jead.gau.ac.ir>

Entrepreneurial Sustainable Agriculture: in search of a Facilitating Approach for Developing Entrepreneurial Agro-Enterprises

***M.Sh. Sharifzadeh**

Assistant Prof., Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources

Received: 20/4/2014 ; Accepted: 25/6/2014

Abstract

Regarding to competitiveness, profitability, productivity and sustainability challenges and potentials in agricultural sector, entrepreneurship seems a vital force for fostering sustainable agriculture development in developing countries. Sustainable agriculture has been described as an umbrella term encompassing several approaches to agriculture including organic farming, biological agriculture, alternative agriculture, ecological agriculture, low-input agriculture, biodynamic agriculture, regenerative agriculture, permaculture and agroecology. Beyond the meanings and interpretations of sustainability as a paradigm, ideology, philosophy, methodology and so on, we need an appropriate, purposeful and functional strategy in order to integrating sustainability in process of agriculture development, as a contingency practicability, systemically, holistically, viability, and flexibility mode. Entrepreneurship facilitation and extension and developing entrepreneurial enterprises in agriculture sector seem a strategic function. Enhancement and exploitation of entrepreneurship capacities in agriculture sector require an enabling environment and an appropriate institutional approach for facilitating agro-enterprise development. Rationally, first step of designing a facilitating approach for agro-enterprise development is a comprehensive and realistic conceptualization of agri-entrepreneurship development, including functional and structural components, process, driving and restraining factors, stakeholders and their linkage mechanisms. Hence, this paper introduces entrepreneurial sustainable agriculture as a strategy for developing and facilitating entrepreneurship process in agriculture sector, conceptually and functionality. Also, this paper argues some contextual challenges, practical mechanisms and expected outcomes and impacts of developing entrepreneurial agricultural enterprises.

Keywords: Sustainable Agriculture Development, Entrepreneurial Sustainable Agriculture, Agriculture Entrepreneurship, Agricultural Enterprises

*Corresponding Author: Sharifsharifzadeh@gmail.com

